

(بشرح ذیل قرائت شد)

از آنجائی که تجدید انتخابات همیشه برای خزانه دولت مستلزم مخارج فوق العاده و در حوزه انتخابیه موجب کسشمکش و رقابت هائی است که اقل ضرر آن تأخیر انتخابات و تعطیل کرسی های مجلس شورای ملی است.

لذا برای حسن جریان امور تقنینیه که محتاج به ثبات فکر و دوام رویه و عمل است و برای اینکه از اختلال تبدلات بی دربی جلوگیری شده و مقام نمایندگی ملت نیز منتسب به بیچ گونه فرضی نباشد مواد ذیل پیشنهاد میگردد.

۱- هر کس بنماینده کمی مجلس شورای ملی انتخاب شود و قبول نمایندگی کند در تمام مدت دوره تقنینیه ولو از نمایندگی استعفا دهد نمی تواند هیچیک از مشاغل موظف دولتی و عمومی را عهده دار شود.

۲- مفاد ماده فوق شامل نمایندگان دوره حاضر نیز میباشد.

رئیس - ارجاع میشود به کمیسیون مبتکرات.

جلسه آتیه روز سه شنبه چهار ساعت قبل از ظهر.

دستور اول - لایحه راجع به مستعربات دوم - لایحه تقاضای اعتبار برای اعزام بمحصلین نظامی بیاریس - اگر وقت باقی ماند لایحه حق البورطهران بدهاوند مطرح می شود.

مجلس سه ربیع بعد از ظهر ختم شد  
رئیس مجلس - مؤتمن الملك

جلسه ۱۰۰

صورت مشروح مجلس یوم سه شنبه شانزدهم جوزا ۱۳۰۱ مطابق نهم شوال ۱۳۴۰ مجلس سه ساعت قبل از ظهر بر ریاست آقای مؤتمن الملك تشکیل گردید صورت مجلس یوم شنبه سزدهم جوزا را آقای امیرناصر قرائت نمودند

رئیس - نسبت بصورت مجلس مخالفی هست یا نه

مخالفی نبود

رئیس - چون مخالفی نیست صورت مجلس تصویب شد راپورت شعبه پنجم راجع بنماینده کمی آقای سالار معظم بنا بود جزو دستور امروز بشود طبع و توزیع هم شده است اگر مخالفی هست اظهار بکنند آقای تدین

(اجازه)

آقای سید محمد تدین - مخالفت بنده با این راپورت و نمایندگی آقای سالار معظم از دو جهت است با وجود اینکه بنده نسبت صلاحیت شخصی ایشان معارضه ندارم و ایشان را بشخص ظاهر الصلاحی می دانم ولی آن دو جهت که موجب مخالفت بنده شده است یکی راجع بجرایان انتخاب است و دیگری راجع بقصدان یکی از شرایط مهمه منتخب البته تمام آقایان می دانند در

موقعی که انجمن مرکزی يك نقطه اعلان انتخابات را اشاعه میدهد فاصله مابین نشر اعلان و توزیع تعرفه مطابق قانون انتخابات افزوده روز واکثر یکماه است و در انتخابات تون وطبس و بشریه و گن آباد اینطور نبوده است حد فاصل مابین نشر اعلان و توزیع تعرفه مطابق تصریحی که در این را پورت کرده کمتر از ده روز بوده وقتی که انسان مراجعه بصورت مجلس انتخابات می کند يك عبارتی در آنجا نوشته است که از آن عبارت اینطور استفاده می شود که فاصله بین نشر اعلان و توزیع تعرفه خیلی کم بوده است

برای اینکه عبارتی که در صورت مجلس انتخابات آنجا نوشته شده این است که میگوید انجمن نظارت مرکزی در روز دوازدهم جمادی الاولی ۱۳۴۰ جلسه اولیه خود را تشکیل داده و در تحت نظارت نایب الحکومه هیئت ریسه خود را انتخاب کرد پس از فراغت از انتخاب هیئت ریسه در جلسه بعد شروع بسایر وظایف قانونی خود نموده و اعلانی مطابق قانون انتخابات ترتیب داده منتشر نمود که از روز هجدهم جمادی الاولی تا بیست و ششم توزیع تعرفه خواهد شد

اینجا اگر این عبارت (در جلسات بعد شروع بوظایف قانونی خود نموده) را نمیداشت ظاهرش این بود که در روز دوازدهم اعلان داده اند و در روز هجدهم شروع بتوزیع تعرفه نموده اند و فاصله مابین نشر اعلان و توزیع تعرفه شش روز بوده است و شش روز کمتر از مدتی است که در قانون معین شده

ولی این عبارت که در صورت مجلس ذکر شده و میگوید در جلسات بعد شروع بوظایف قانونی خودشان کردند صریح در این است که در روز دوازدهم اعلام منتشر نشده است ممکن است در روز چهاردهم یا پانزدهم یا دوسه روز بعد اعلان منتشر شده باشد پس از این عبارت همچو معلوم میشود که فاصله بین نشر اعلان و توزیع تعرفه کمتر از ده روز بوده و چون بطور قطع معلوم نبوده در این راپورت قطعاً ذکر نشده فقط عنوان می کند که فاصله بین نشر اعلان و توزیع تعرفه کمتر از ده روز بوده لهذا اعتراض من به کمیسیون وارد است یکی از نمایندگان که - چون نیست شعبه است

تدین - بلی بیخشبه شبهه اگر چه فرق نمیکند به حال شبهه این مخالفت قانونی را تصریح کرده و میگوید این مخالفت قانون شده ولی مستمسک شده است بسابقه آنهم بایک عبارتی که تصور میکنم ذکر این عبارت برخلاف واقع باشد و منافی با حیثیات مجلس باشد چون مبنی بر چیزی که مخالفت با قانون داشته باشد در

صورت مجلس دیده نشده مگر اینکه مدت اعلان انتخابات مزبور را انجمن مرکزی تون کمتر از ده روز قرارداد و چون این قبیل مخالفت قانونی را در بعضی شعب و مجلس مقدس مورد توجه قرار نداده اند الهی آخر بنده با این تمبیر مخالف هستم

زیرا هیچوقت مخالفت قانون طرف بی اعتنائی مجلس واقع نشده بنده تصور میکنم نظر شعبه بسابقه بوده که راجع به بعضی از نقاط فارس مجلس رای داد

آقای سید یعقوب - راجع بفارس نبود. تدین - چرا بعضی از نقاط فارس نبود.

محمد هاشم میرزا - صحیح است راجع بفسا بود

تدین - و اینکه مجلس رای داد از نقطه نظر فلسفه و روح قانون بود نه از نقطه نظر بی اعتنائی و مخالفت با قانون بعضی گفتند صحیح است

بنابر این مطابق صورت مجلس و عباراتی که متخذ از صورت مجلس است و بعرض آقایان رساندم بطور قطع و تحقیق فاصله بین نشر اعلان و توزیع تعرفه از شش روز هم کمتر بوده و این را نمیشود معطوف بسابقه کرد برای اینکه آن دلیل در اینجا به هیچ وجه جاری نیست

بخاطرم است این فلسفه که در سابق نسبت به بعضی از نقاط اظهار میشد بواسطه کوچکی مجلس بود و میگفتند چون محل کوچک است احتیاج بطول مدت ندارد و ده روز هم زیاد است ولی مسئله تون وطبس و گن آباد و بشریه که تقریباً بیست فرسخ دوسی فرسخ خاک است یا بلندتر است...

محمد هاشم میرزا - صد فرسخ در جهل فرسخ است

تدین - دیگر بهتر بقول حضرت والا وسعت خاکش از اینها هم که بنده عرض کردم زیاد تر است

بنابر این طرف مقایسه بانقطاتی که در سابق محل بخت بوده نمیشود در بیک جایی که سی فرسخ در جهل فرسخ یا زیادتر طول و عرض خاکش است نمیشود قائل شد که کمتر از شش روز فاصله بین نشر اعلان و توزیع تعرفه باشد

بنابر این در اینجا رعایت يك ماده از قانون انتخابات نشده است دیگر اینکه در اینجا اظهار می کنند شکایتی نرسیده بود بلی مطابق تحقیقاتی که بنده کرده ام شکایتی بشعبه نرسیده ولی يك قضیه عجیبی اتفاق افتاده است که عرض آقایان میرسانم مطابق صورت مجلس و راپورت در دوازدهم جمادی - الاولی انتخابات شروع شده و در بیست و هشتم جمادی الثانیه خانه یافته و در دوم جمادی - الثانیه شخص طبسی کتبا شکایتی بتوسط

بست بمقام محترم ریاست مجلس شورای ملی میفرستند و شکایات می کنند آن هم هر بضاعتی حاضر است

شکایت آن شخص از سوء جریان انتخابات است بطور کلی شکایتش متبنی بر روی دو اصل است یکی اینکه میگوید میخواهند این شخص را بطور اجبار و فشار در تحت نفوذ والی ایالت با تحمیل کنند و دیگر اینکه ما بآباد ایشان را نمی شناسیم و معروفیت معلی ندار ندان این عریضه بمقام محترم ریاست مجلس شورای ملی میرسد روز بیست و هشتم دلو از طرف مجلس شرحی بوزارت داخله نوشته می شود (سوادش الان حاضر است) که چون شکایتی میرسد لازم است شهادت دور بدهید و از سوء جریان انتخابات جلوگیری کنید

و در همان روز از طرف وزارت داخله جواب میدهند که ما هم دستور دادیم و اقدامات مجدانه می شود این جواب وزارت داخله وارد به کمیسیون عریض می شود کمیسیون عریض در چهارم حرت می نویسد البته اینها يك غفلت هائی بوده و عمدی نبوده

است تا اینکه در جلسه گذشته که این راپورت مطرح شد و بنده مخالفت کردم تذکری داده شد و در نتیجه معلوم شد که شکایتی هم هست و گویا دیروز از فراریکه مخبر محترم اظهار می کردند شعبه فرستاده اند پس بنا به اظهار این هم يك موضوع مشکلی است. آیا تکلیف اینورقه شکایت چه چیز است آیا این شکایت را باید ارجاع بشعبه کرد یا به کمیسیون تحقیق و یا اینورقه شکایتی که رسیده است باید بلا اثر بماند حال جهت دوم مخالفت خودم را عرض می کنم و آن راجع است به ام معروفیت معلی منتخب بنده خیلی متأسف هستم که اینجا مصادف می شوم با سالار معظم ولی البته نظر شخصی به هیچ وجه نسبت با ایشان ندارم و ایشان را شخص ظاهر -

الصلاحی می دانم ولی اگر از يك معلی معلی انتخاب شوند که معروفیت معلی داشته باشند و جریان انتخاباتشان هم صحیح باشد البته اول کسی که با ایشان رای خواهد داد بنده خواهم بود ولی از این نقطه بتأسفانه اینطور نبود

و ایشان را در خراسان و تون وطبس و گن آباد و بشریه کسی نمیشناسد از آنجا که بگذریم در خود طهران هم در هزار تقریباً نفر شخص ایشان را نمی شناسد مثل اینکه بنده که بیست سال است در طهران هستم و اغلب اشخاص را می شناسم تا موقعی که ایشان به مجلس تشریف نیاورده بودند ایشان را ابداً نمی شناسختم. البته تصدیق می فرمائید قضایائی که در مجلس مطرح می شود بخصوص در این مجلس چهارم و هین بطور سایر مجالس گذشته زود سابقه می شود در دو نقطه بایک نقطه برای فلسفه و روح قانون که مجلس رای داد حد فاصل بین نشر اعلان و توزیع تعرفه کمتر از ده روز بوده عیب ندارد و بروح قانون سخته وارد نمی آورد و الا این مسئله برای شعبه سابقه و مدرك شده است مسئله معروفیت معلی یکی از شرایط مهم قانون انتخابات

است و واقعه اگر ما این مسئله را طرف توجه قرار ندهیم تصور می کنیم دیگر در آتیه نباید منتظر رعایت این اصل مهم بود چرا؟ چون در مجلس سابقه شده است - بعلاوه بنده مخالف هستم باینطور والی ها و حکام بطور مطلق خواه والی خراسان باشند خواه آذربایجان خواه فارس خواه مازندران خواه گیلان خواه ساوجبلاغ بنده مخالف هستم باینکه حکام بقواعد علاوه بر اینکه والی می شوند و هزار گونه منافع مشروع و غیر مشروع برای خودشان جلب می کنند این یک حق مشروعی را هم که نتیجه حکومت ملی است غصب کنند - آقای نظام السلطنه نرسیده بخراسان یعنی در اوایل ورودشان اول کاری که می کنند پسران را تعیین می - اهل تون وطیس و گن آباد و بشرویه می - کنند پس کی باید ایرانی از حق شروع خودش استفاده بکنند؟ تمام مقامات را که چند نفر منتقد می خوانند احتکار کنند وزارت است همینطور امارت است همینطور ریاست است همینطور دور میزند در دور یک طبقه و ملت فقط دلش خوش است باینکه یک آزادی انتخابی دارد و می تواند یک نفر وکیل انتخاب کند آنها مطابق شکایتی که میرسد تصریح کرده که بزوریا تعیین کرده اند و ما ایشان را نمی شناسیم بنابراین باید نظام السلطنه را فرمانفرمای ایالات و ولایات بدانند که این اختیار را ندارند و این حق مشروع ملت را نمی شود غصب و یا مایل و در خانواده خود احتکار کرد و الا بنده ببالصراحت اینجا عرض می کنم اگر چنانچه این مسئله طرف توجه آقایان واقع نشود (و یقین دارم البته طرف توجه آقایان خواهد شد) چون مقصودی ندارم مسلم دارم که کسری و بقیه و کلاه که متجاوز از جهل نفرست تمام از آموهان وانه اروپا و خویش هر والی و هر حاکم انتخاب خواهد شد همین مسئله امروز برای این قضایا سابقه می شود بنابراین باید منتظر بود که این حق مشروع ملت از این تاریخ به بعد در معرض خطر و بیچاره ایرانی از این حقی که یکی از لوازم حکومت ملی است و باو داده شده معلوم بماند - این است خلاصه عرایض بنده بنده بصورت مبارک آقایان دیگر حکمتش با آقایان محترم است

**رئیس -** آقای اقبال السلطان هم مخالفند .

**اقبال السلطان -** خیر موافقم

**رئیس -** بفرمائید

**اقبال السلطان -** چون بنده یکی از اعضاء ششمه پنجم هستم و در شبهه نمایندی آقای سالار معظم را تصدیق کرده ام از این جهت ناچار شدم در مجلس شورای ملی عرایض خودم را عرض کنم هر چند

موافقت بنده با آقای سالار معظم مخالفت با آقای تدین خواهد بود و خیلی از این جهت متأسف و متواضع . خلاصه اعتراضات آقای تدین دو فقره است یکی این که فاصله بین اعلان و توزیع تعرفه کمتر از دوازده روز بوده است .

البته با آن تصویری که آقای تدین کرده اند هشت روز فاصله برای تون وطیس و گن آباد کم است ولی هر یک از این سه نقطه یک حوزه انتخابیه داشتند و هشت روز برای تمام آنها نبوده و در هر نقطه اعلانی برای تمام آنها نبوده و در هر نقطه اعلانی حاضر شوند و حق خود را از دست ندهند و وکیل خود را از روی علاقه مندی انتخاب کنند هیچکس با آنها تعییل و فشار وارد نخواهد آورد و این را مسلم بدانید که تعییل و فشار و زور در مسئله انتخابات ممکن نیست .

**رئیس -** آقای آقا سید یعقوب ( اجازه )

**آقا سید یعقوب -** بنده موافقم ولی چون آقای تدین یک نسبتی بکمسیون عرایض دارند . بنده ناچار هستم دفاع کنم در آن محل رفته باشد و او را بشناسند یا خیر اسم او را شنیده باشد و بدانند که یک چنین کسی هم هست؟

و چون معلوم نیست می خواهم بدانم مجلس این عبارت را بطور تغییر کرده ؟ مطابق انتخابات گذشته آقایانی که انتخاب شده اند شاید بعضی معروفیت معلی نداشته اند و بان نقطه که انتخاب شده اند نرفته اند ولی آن شهر را می شناختند و انتخاب کرده اند یقیناً آقای سالار معظم هم از این محلهاست که انتخاب شده اند لا بد آنجا ها ایشان را می شناسد و تلگرافاتی هم که از آنجا بمجلس مخابره شده و در دوسیه مجلس ضبط است دلالت دارد که کاملاً او را می شناسد و ما هم در شبهه اگر تصدیق کردیم مطابق همان دوسیه ما بود از روی اطلاعات خارجی نبود زیرا اطلاعات خارجی دلیل نمی شود - مدرک ما همان دوسیه است و از روی آنرا یورت بمجلس دادیم . اما این که آقای تدین تصور فرموده اند که حکام نمایندگان را باهالی تعییل می کنند آنها هم یک پروپاگاندا یک مداخله می کنند نه آنطوریکه شما می فرمائید .

**قدین -** صحیح است همین طور است . مداخله حکام را تصدیق کردند .

**اقبال السلطان -** بلی مداخله می کنند ولی مداخله غیر مستقیم و این که ملت خودشان نمی خوانند انتخاب کنند و علاقه مند نیستند شما تصور می کنید بواسطه مداخلات حکام است .

این طور نیست بواسطه سستی و تنبلی خودشان است اگر آنها بانتخابات علاقه مند باشند البته موقتیت با آنها خواهد بود . در یک شهر بزرگی مثل طهران وقتی که انتخابات شروع میشود همه را می دهند کان

از دوازده هزار نفر تجاوز نمی کنند این برای چه است اگر اهالی بانتخابات علاقه مند بودند در طهران باید سه هزار نفر تعرفه بگیرند نه دوازده هزار نفر این برای این است که بانتخابات علاقه مند نیستند . آن دوازده هزار نفر را هم با آنکه با خواهش یا با تعریکات وادار می کنند که بیرون و تعرفه بگیرند . اگر شما مایل هستید که یک عده نمایندگان که امثال خودشان در مجلس باشد باید وقت بفرمائید که اهالی بانتخابات حاضر شوند و حق خود را از دست ندهند و وکیل خود را از روی علاقه مندی انتخاب کنند هیچکس با آنها تعییل و فشار وارد نخواهد آورد و این را مسلم بدانید که تعییل و فشار و زور در مسئله انتخابات ممکن نیست .

**رئیس -** آقای آقا سید یعقوب ( اجازه )

**آقا سید یعقوب -** بنده موافقم ولی چون آقای تدین یک نسبتی بکمسیون عرایض دارند . بنده ناچار هستم دفاع کنم در آن محل رفته باشد و او را بشناسند یا خیر اسم او را شنیده باشد و بدانند که یک چنین کسی هم هست؟

و چون معلوم نیست می خواهم بدانم مجلس این عبارت را بطور تغییر کرده ؟ مطابق انتخابات گذشته آقایانی که انتخاب شده اند شاید بعضی معروفیت معلی نداشته اند و بان نقطه که انتخاب شده اند نرفته اند ولی آن شهر را می شناختند و انتخاب کرده اند یقیناً آقای سالار معظم هم از این محلهاست که انتخاب شده اند لا بد آنجا ها ایشان را می شناسد و تلگرافاتی هم که از آنجا بمجلس مخابره شده و در دوسیه مجلس ضبط است دلالت دارد که کاملاً او را می شناسد و ما هم در شبهه اگر تصدیق کردیم مطابق همان دوسیه ما بود از روی اطلاعات خارجی نبود زیرا اطلاعات خارجی دلیل نمی شود - مدرک ما همان دوسیه است و از روی آنرا یورت بمجلس دادیم . اما این که آقای تدین تصور فرموده اند که حکام نمایندگان را باهالی تعییل می کنند آنها هم یک پروپاگاندا یک مداخله می کنند نه آنطوریکه شما می فرمائید .

**قدین -** صحیح است همین طور است . مداخله حکام را تصدیق کردند .

**اقبال السلطان -** بلی مداخله می کنند ولی مداخله غیر مستقیم و این که ملت خودشان نمی خوانند انتخاب کنند و علاقه مند نیستند شما تصور می کنید بواسطه مداخلات حکام است .

این طور نیست بواسطه سستی و تنبلی خودشان است اگر آنها بانتخابات علاقه مند باشند البته موقتیت با آنها خواهد بود . در یک شهر بزرگی مثل طهران وقتی که انتخابات شروع میشود همه را می دهند کان

و کالت خودشان تبلیغات می کنند مردم را تشویق مینمایند و پروپاگاندا می کنند مردم را تشویق مینمایند و پروپاگاندا می کنند ولی حکومت حق داشته باشد پروپاگاندا بکنند این یک چیز مضحکی است حکومت هیچ عنوان حق مداخله در انتخابات را ندارد خواه بعنوان پروپاگاندا خواه بعنوان دیگر ( گفته شد صحیح است ) حکومت باید نظارت در مسعت و سقم جریان انتخاب داشته باشد و شما می فرمائید همانطور که اشخاص دیگر حق دارند پروپاگاندا کنند حکومت حق دارد و اما راجع بمعرفیت معلی بنده می گویم هر دره و هر تفسیری که برای معروفیت معلی قائل شوید ابتدا برای این مصداق معین موجود نیست و در تمام تون وطیس و دهات اطراف تصور نمیکنم یک شخص سالار معظم را بشناسد بنده می گویم در طهران از هزار نفر یک نفر ایشان را نمی شناسد و صرف اینکه سالار معظم پسر نظام السلطنه والی خراسان است برای معروفیت معلی کافی نیست بعلاوه خوب است راجع کنید بان شکایتی که از آن شخص شاکی رسیده است و بقیه بنده این جریاناتی که پیدا شده است از روی فطرت هائی بوده است و آقای آقا سید یعقوب تصور کرده اند بنده بکمسیون عرایض اعتراض کردم در صورتی که همین واقع است و باصفا علی محمد که شاید اسم رئیس کمسیون باشد نوشته شده است و بنده در تاریخ چهارم موت ۱۳۰۰ هجری قمری - حاضر است راجع بفرمائید یک نفر شاکی است و می گوید این انتخاب در تحت فشار و زور و تعییل شخص نظام السلطنه والی خراسان بود و ما سالار معظم را نمی شناسیم مطلب باین واضحی را آیا نباید گوش داد؟ اگر اینطور باشد شما عرض مراعات این نکته از قانون بشود مختصراً عرض می کنم این طور معروفیت معلی به چه وجه نظیر سابقه ندارد در این مجلس و نه در مجالس گذشته

**آقا میرزا محمد نجات** - مخبر ششمه آقای تدین دو فقره ایراد این انتخاب دارند اولاً راجع باینکه انجمن مرکزی تون فاصله بین نشر اعلان و توزیع تعرفه را کمتر از ده روز قرار داده است اگر در روز چهارم روز قرار داده فرمائید در آنجا هم تصریح شده که انجمن مرکزی تون مدت را کمتر از ده روز قرار داده ولی سایر نقاط اینطور نبوده و انجمن های جدا گانه داشته است و فقط انجمن مرکزی موعده را کمتر از ده روز قرار داده و چون این مطلب در مجلس شورای ملی سابقه داشت نه در یکجا بلکه در اغلب جا ها که و دتان هم رأی دادید ششمه هم چون

دید کمتر از ده روز موافق روح قانون بوده و شعبات سابقه تصدیق و مجلس هم رأی داده

ششمه پنجم هم این مطلب را مورد توجه قرار نداد و انتخابات ایشان را تصدیق کرد و تصور نمیکنم این ایرادی باشد که بتوان بان متسک شد و اما اینکه میفرمائید شکایت رسیده این شکایتی که رسیده است از تون وطیس نیست و خط این شکایت را هم بنده می دانم خط کسب و نمی خوانم بگویم این شکایت از مشهد مقدس است یک نفری بوده است که از تون وطیس کاندید بوده و چون دیده است که محروم میشود شروع بشکایت نموده و این خط را بنده خوب می شناسم و بعضی هم در این مجلس هستند که این خط را می شناسند بالاخره چون مایوس می شود یک کاغذی بتهران می نویسد و این تبری که بیا کت زده شده است تبر مشهود است و از تون وطیس نیست و اینکه امضاء می کند فدوی شامعد حسن طوسی است خیر فدوی شما محمد حسن طوسی نیست یک نفر از مداریف و اعیان نمره اول خراسان است و شاید عنقریب از مجلس دیگر انتخاب بشود و باید بپلوی شما بنشینند و کالتش هم برای بنده

این تبر مشهود است آیا تون وطیس تبر ندارد و پست خانه ندارد؟ پس چرا از مشهد فرستاده است حالا اگر میل دارند در خارج بشما می گویم که کار کی است این کاغذ خط یکی از اعیان خراسان است و خطش را هم خیلی خوب می شناسم و این شکایت بهیچ وجه مورد اهمیت نیست و اما معروفیت معلی یک چیزی است که تا امروز در قانون هیچ میزانی برای او معین نشده و فقط باید در مجلس شورای ملی معین شود اگر مجلس مقدس دید که معروفیت معلی دارد البته رأی خواهد داد اگر از آن کرد که معروفیت معلی ندارد البته رد خواهد کرد و جای شبهه هم نیست و دیگر اینکه ششمه که بیل خود رفتار نمی کند ششمه از روی دوسه و تلگرافات حکمت می کند وقتی که در دوسیه انتخابات مطرح است که انجمن مرکزی از معاریف و معتمدین محل تشکیل شده و تمام امضاء کرده اند حکومت هم امضاء و تصدیق کرده و از او هم هیچ شکایتی نرسیده و بعلاوه یک دسته تلگرافات رضایت از معاریف محل رسیده و سالار معظم تبریک گفته اند آیا ششمه باید رد کند و بگوید این تلگرافات دروغ است و اولی تعییل کرده است و این کاغذی را یک نفر معلوم می از مشهد نوشته و کاندید و کالت بوده سند قرار بدهد یک دلیل دیگری هم هست و آن این است که این کاغذ در دوم جمادی الثانیه نوشته شده در صورتی که در بیست و هشتم جمادی الثانیه

انتخابات خانه یافته معلوم میشود که شکایت کننده غیب هم گفته است صورت مجلس حاضر است مراجعه بفرمائید در بیست و هشتم جمادی الثانیه انتخابات خانه یافته و این شخص در دوم جمادی الثانیه می نویسد که اینها التماس انتخابات چنین شد و چنان شد چون می بیند انتخابش نمی کنند و مایوس می شود شش ماهی ضرر می کند و این مثال را نوشته و خوبم نوشته است و بتوسط پست خانه تقدیم آقای رئیس کرده است و اما راجع باینکه آقای حاج میرزا علی محمد رئیس کمسیون عرایض در چهارم حوت امضاء کرده اند و نوشته اند ضبط شود و بطور شده که بکمسیون عرایض رفته و بعد ضبط شده است این راجع بشعه نیست و مربوط بکمسیون است

**رئیس -** آقای تدین ( اجازه )

**قدین -** اولاً آقای مخبر شاکی را جرح کردند و گفته خط او را می شناسم و می دانم که یک نفر از او و طبیبان و کالت است اولاً تصدیق می فرمائید که قضات یک نفر سندی ندارند و بعلاوه بشخص شاکی نباید نگاه کرد باصل شکایت باید نگاه کرد که آیا این شکایت صحیح است یا سقیم گویند هر کس باشد بنا بر این همانطور که مقام محترم ریاست موقی کاین عریضه شکایت رسیده است بوظیفه قانونی خود عمل کرده اند و مرسله بوزارت داخله نوشته اند که مینوش هم الان حاضر است همانطور هم بنده و جنابعالی و شعبه و مجلس وظیفه دار هستم وقتی یک شکایتی بمجلس رسیده باصل شکایت رسیدگی کنیم گویند هر کس باشد هم از اینکه داوطلب و کالت باشد یا نباشد آیا نمی شود مدعی یک امری در دادگاه خود صادق باشد؟ والا فرمایش آقای مخبر لازم است این است از اذاهای هر مدعی صرف نظر بشود؟ چرا برای اینکه مدعی است و اینکه می فرمائید این کاغذ بشعه آمده و تبر مشهودا دارد بقیه بنده این خودش یک دلیل بزرگی است باینکه این انتخابات در تحت فشار واقع شده و چون در بیست و هفتم جمادی الثانیه امضاء شده اند شکایت خود را از معاریف و معتمدین محل تشکیل شده و تمام امضاء کرده اند حکومت هم امضاء و تصدیق کرده و از او هم هیچ شکایتی نرسیده و بعلاوه یک دسته تلگرافات رضایت از معاریف محل رسیده و سالار معظم تبریک گفته اند آیا ششمه باید رد کند و بگوید این تلگرافات دروغ است و اولی تعییل کرده است و این کاغذی را یک نفر معلوم می از مشهد نوشته و کاندید و کالت بوده سند قرار بدهد یک دلیل دیگری هم هست و آن این است که این کاغذ در دوم جمادی الثانیه نوشته شده در صورتی که در بیست و هشتم جمادی الثانیه

ندارد بعلاوه خود حضرت عالی میفرمائید در صورت مجلس نوشته اند انتخابات از دوازدهم جمادی الاولی شروع شده و در بیست و هشتم جمادی الثانیه خانه یافته است پس معلوم می شود که در همان حین از جریان انتخابات ملتفت شده اند که می خواهند یک شخص را بر اهالی گناها و بشرویه و تون و طبیس و غیره تعییل کنند و لذا شروع به شکایت نموده اند فرضاً شخص شاکی اسم خود را محمد حسن طوسی می گوید و مدعی و کالت هم هست در صورتی که صالح باشد و جریان انتخابات صحیح باشد چه ضرری دارد او هم بیاید و یک کرسی از کرسی های پارلمان را اشغال نماید

**رئیس -** آقا سید یعقوب ( اجازه )

**آقا سید یعقوب -** بنده گمان نمی کردم آقایان محترم در عرض زحمانی که امضاء کمسیون عرایض برای این ملت متحمل شده اند بخوانند آنها را محل ایراد قرار بدهند خوب بود آقای تدین حفظ الله تعالی نگاه بفرمائید نمودند و قاضی که مطابق از طرف مقام ریاست و وزارت داخله شده است میباید آنوقت این فرمایشات را می فرمودند تکلیف کمسیون عرایض چه بود؟ اصل عریضه بکمسیون عرایض نیامده است اصل عریضه بتمام ریاست تقدیم شده است مقام ریاست هم بر ریاست وزراء نوشته اند که در این باب رسیدگی کنند و ناظر جریان انتخاب باشند از طرف ریاست وزراء هم بوزارت داخله رجوع شده و وزارت داخله هم بنمایند خود که حکومت باشد دستورات لازم داده و بدهم بمجلس جواب میدهد که امری که از طرف مجلس شده است اقدامات لازم نموده ام بعد از تمام این مقدمات و جریانات تا زمان مطلب بکمسیون عرایض رسیده بنا بر این این مطلب و این دوسیه در وزارت داخله سابقه پیدا نموده و این سابقه باید در جزو دوسیه انتخابات وزارت داخله بشعبه برگردد ولی بعد از آنکه مجلس و وزارت داخله در آن باب اقدام نموده و کار تمام شده و مجرای قانونی خود را طی کرده و بکمسیون عرایض آمده البته مجبوراً ضبط می شود حالا اگر ایرادی دارید که چرا این مطلب را وزارت داخله در جزو دوسیه دوسیه بنده نفرستاده مربوط بکمسیون عرایض نیست کمسیون عرایض مطابق مسئولیتی که داشته است اقدامات خود را نموده دیگر کمسیون عرایض نمی تواند مأمور معین نماید و بگوید بروید پیش محمد حسن طوسی صدق می گوید یا کذب می گوید طرف خطاب مجلس و کمسیون عرایض وزارتخانه ها هستند بعد از اینکه وزارتخانه ها حکوتامی کردند دیگر کمسیون عرایض محل بی مرتحتی نباید باشد بنا بر این عرض می کنم نسبت به

کمسیون عرایض کم مرتحت فرمودید اما راجع بمعرفیت معلی همانطور که آقای حاج شیخ محمد حسن گروس در این باب صحبت کردیم بعضی شرایط وجود تحقیق سنی است و بعضی شرایط دیگر شرایط شمال هستند نه شرط وجود بعضی شرایطی که در صحبت انتخابات نسبت بپست می شود شرط وجود است مثل اینکه منتخب باید تیره ایران و مسلمان باشد مرد باشد و حری باشد

اینها شرایط وجود تحقیق هستند ولی مجلس شورای ملی برای معنای معروفیت معلی یک میزان و مقدار کلی قرار نداده است بعلاوه همین مسئله نسبت ببعثی از وکلای خراسان که خود آقای تدین با کمال جدیت مدافع آنها بودند سابقه دارد پس معلوم می شود مقین در مقام قانون گذاری شرط معروفیت را شرط وجود و تحقیق ندانسته بلکه شرط کمال دانسته در دوره سوم و چهارم خیلی نظیر این اتفاقات واقع شده و اشخاصی انتخاب شده اند که روح اعلی هم اطلاع از حالات آنها نداشته از همین جا معلوم می شود که مجلس شورای ملی اولاً برای معروفیت معلی میزان کلی قرار نداده

تانیاً آن را شرط وجود و تحقیق ندانسته بلکه شرط کمال قرار میدهد به قسمی که اگر این شرط واقع نشد انتخاب را باطل نمیدانند اما راجع بمدت اعلان آقایان مخبر و اقبال السلطان جوابی بیان فرمودند

جواب دیگران هم بنده عرض میکنم مقننین در قانون انتخابات مدتی برای پذیرفتن شکایات معین نموده یعنی در خود انجمن مرکزی یک هفته در مجلس شورای ملی هم یک ماه برای اسنادی شکایات وقت مقرر شده است

این قانون برای ترفیه حال متشکبان است حال اگر خود آنها از این مدت استفاده ننمایند و شکایات نکنند ما که مدعی العلوم هستیم که باهالی تون وطیس بگوئیم حال که شما علماً و عمدتاً در مدت مقرر دست از حق خودتان برداشته اید فایده کردید و اشتباه نموده اید بیاید دو مرتبه شکایت کنید پس این عدم شکایت کاشف از این است که آنها از حق خودشان استفاده ننموده اند و ما هم هیچ الزامی نداریم که بیایم دو مرتبه در این خصوص صحبت نمایم

بنا بر این گمان می کنم برای آقای تدین هم اشکالی باقی نباشد پیشنهاد می کنم مذاکرات کافی باشد

مخبر - ماده چهارم و هشتم قانون انتخابات بکسانی حق شکایت کردن میدهد که حق انتخاب سکران داشته باشند



دولت است بفتح کارگران ادارات این پیشنهاد  
 بفتح یکمده متنتین است کدر ادارات نفوذ  
 مهمی دارند و می توانند چندین کرسی را  
 برای خود اشغال کنند و این که فرمودند  
 دولت می خواهد برای بیکاران کار پیدا  
 کند وضع این قانون برعکس است بواسطه  
 این که اگر می خواستند برای بیکارها کار  
 پیدا کنند نیابت دوشغل یا باحقوق یا بی  
 حقوق بیک نفر داده شود و این که بعضی از  
 آقایان می فرمایند کفالت است و شغل نیست  
 اگر کفالت است چرا حقوق باومی دهند  
 بنابراین اگر این قانون وضع شود بکلی  
 برخلاف فرمایش آقایان خواهد بود که می  
 فرمایند برای بیکاران کار پیدا میشود و  
 بعنوان کفالت است .

اگر کفالت است هر کفیل اداره در  
 موقتی که رئیس نیست حقوق خود را می  
 گیرد و باید کفالت آن کار را بکنند مثلا  
 وقتی بخواهند یک حاکمی را از کرمان یا  
 خراسان یا جاهای دیگر معزول کنند و  
 بجای او حاکم دیگر بفرستند مأمور دارد و  
 معاون حقوق معاونت خود را گرفته حاکم  
 هوس میشود دیگر نباید دولت مبالغی  
 اضافه حقوق باو بدهد .

دیگر اینکه حضرت والا فرمودند  
 نسبت به مستخدمین دولت از فرمایشات آقای  
 کازرانی توهمین شده و آقای رفعت الدوله  
 هم بعضی فرمایشات فرمودند بنده متأسفم  
 که در این مملکت قانون مغایرت و رسیدگی  
 نیست و اگر رسیدگی در کار بود معلوم  
 میشد و از مستخدمین دولت هر کس خوب  
 کار کرده بود او را تقدیس می کردند و هر  
 کس بد کار کرده بود تکذیب میکردند  
 و در صدد مزولش بر می آمدند و بنده مأمورین  
 طهران را نمی دانم ولی مأمورینی که باطراف  
 میروند غالباً دیده ام که خوب کار نکرده اند  
 نه برای دولت و نه برای مردم . در هر  
 صورت عقیده بنده اینست که بیک نفر دو شغل  
 ندهند و اگر هم می دهند باید یک شغل  
 او بی حقوق و یک شغلش با حقوق باشد .

رئیس - آقای گروسی مخالفید .  
**حاج شیخ محمد حسن گروسی** - بلی مخالفم .  
 رئیس - آقای کازرانی مخالفید .  
**آقای میرزا علی کازرانی** - بلی بنده  
 هم مخالفم ؟  
 رئیس - آقای اقبال السلطان  
 ( اجازه )  
**اقبال السلطان** - این سه فقره ( ا )  
 و ( ب ) و ( ج ) مثل یک فقره همانند منتهی در  
 یکی حقوق بیشتر معین شده و در یکی کمتر  
 در قسمت اول آقایان مخالفت خودشان را  
 اظهار فرمودند و حالا هم می خواهند در فقره  
 دوم همان حرفهایی را که در فقره اول گفته  
 اند مکرر کنند همینطور در فقره سوم و بنده  
 گمان می کنم باین ترتیب مطالب طولانی  
 خواهد شد و عقیده نداشتم اینقدر در این

خصوص مذاکره کنیم ولی آقای حاج میرزا  
 مرتضی نسبتی بنده دادند که ناچارم جواب  
 عرض کنم و ایشان گویا عبارت های بنده را  
 ملتفت نشدند بنده عرض کردم دولت به نفع  
 اجزاء ادارات این پیشنهاد را کرده زیرا  
 پیشنهاد دولت این است که دو شغل را بیک  
 نفر بدهند این بفتح دولت است یا به نفع  
 اجزای ادارات  
**حاج میرزا مرتضی** - بایش راهم  
 بخوانید .  
**اقبال السلطان** - بلی البته دولت  
 در بعضی از موافق مجبور می شود ضرورت  
 پیش می آید آنوقت می تواند کفالت یک  
 شغلی را بیک نفر از مأمورین خود بدهد نه  
 این که دو شغل را بیک نفر واگذار کند  
 حضرتعالی می فرمایند معنی کفالت و دوشغل  
 را نفهمیدم کفالت یک شغل موقتی است و  
 برای یکماه یا دو ماه است و ممکن است  
 قدری بیشتر طول بکشد بعبارت اخیری  
 کفالت موقت است ولی شغل وقتش معین  
 نیست .

رئیس - مذاکرات کافی نیست  
 ( اغلب گفتند کافی است )  
 رئیس - قسمت سوم قرائت می شود  
 ( آقای نظام الدوله بشرح ذیل  
 قرائت نمودند )  
 در صورتی که کسی کفالت هم رتبه خود  
 را بشاید حق دارد تمام حقوق خود را علاوه  
 ثلث حقوق آن کسی را که قائم مقام او است  
 دریافت دارد .

رئیس - آقای کازرانی  
 ( اجازه )  
**آقای میرزا علی کازرانی** -  
 بنده بمناسبت یک اصل مسلم که حکم بر اغلب  
 است و نظر باینکه افراد اداره موضوع  
 حکم واقع نمی شوند یک نسبتی بامورین  
 دادم و از اینجهت مورد تعرض حضرت والا  
 واقع شدم پس باید بگویم تمام مأمورین  
 متقس هستند و هیچکس در مملکت مخالف  
 قانون نمی کند .

رئیس - راجع باین موضوع نیست .  
**آقای میرزا علی کازرانی** -  
 این مقدمه است عرض می کنم  
 رئیس - در اصل مطلب اگر حرفی  
 دارید بفرمایید  
**آقای میرزا علی کازرانی** -  
 بنده در اصل مطلب سابقا هم عرض کردم  
 مخالف هستم زیرا اگر اینطور بشود نه  
 تنها کار برای اشخاص پیدا نمی کنیم بلکه  
 کارهای دولت هم بااختصاص متفرد محدود  
 می شود و یک بابی می شود برای خیانتهای  
 دیگر .

رئیس - آقای تدین موافقتید .  
 تدین - بلی بنده موافقم  
 بعضی گفتند مذاکرات کافی است  
 رئیس - این دو فقره پیشنهاد رسیده  
 است قرائت می شود و رای می گیریم

( پیشنهاد آقای منتصر الملک بضمون  
 ذیل قرائت شد )  
 بنده پیشنهاد می کنم میزان حقوق  
 و کفالت در هر سه مورد ثلث باشد  
 رئیس - آقای منتصر الملک  
 ( اجازه )  
**منتصر الملک** - بنده پیشنهاد کرده  
 ام در هر سه مورد میزان حقوق کفالت یک  
 ثلث از حقوق آن شغلی باشد که کفالت  
 می کند بجهت این که بنده می بینم  
 مخالفت آقایان مخالفین غالباً  
 از نقطه نظر حقوقی است و تصور میفرمایند  
 بعضی اینکه این قانون گذشت فلان  
 وزیر یا فلان متفرد چندین شغل را بعنوان  
 ضرورت به یک نفر رجوع خواهد کرد .  
 حالا اگر بعضی از آقایان از ترتیبات  
 اداری اطلاع نداشته باشند نباید آن آقایان  
 را طرف اعتراض قرار بدهیم ولی آقایانی  
 که از وضع ادارات اطلاع دارند میدانند  
 که در یک موقتی دولت ناچار می شود  
 مثلا ملاحظه بفرمایند فلان قنصل یا فلان  
 مأمور را احضار می کنند دولت به رئیس  
 تفرگه یا یکی دیگر از همان مأمورین آن  
 شغل واارجاع می کند و می گوید برای یک  
 مدت موقتی شغل آن شخص را کفالت کند  
 بشه می است او وقت خودش را برای کاری  
 که برای او مهین کرده اند باید صرف کند  
 و دولت هم نمیتواند او را مجبور کند که  
 حتما یک کار دیگر راهم کفالت بکنند و  
 این ادله که آقایان موافقین و آقای مخبر  
 فرمودند تماما صحیح است زیرا دولت یک  
 وقتی ناچار می شود این کار را بکنند و عقیده  
 بنده این است که بیش از این مذاکره لازم  
 نباشد زیرا آقایان مخالفین از مخالفت  
 خودشان منصرف نمی شوند برای اینکه  
 منظور آنها هم این است که شاید در این  
 موقع یک خرجهای زیادی برای دولت پیش  
 بیاید بنابراین بنده تصور می کنم کسی که  
 شغل مافوق خودش را کفالت می کند  
 چون برای او یک افتخاری است بهمان ثلث  
 حقوق قناعت می کند زیرا هم افتخاری حاصل  
 کرده است و هم در این مدت قلیلی که مثلا  
 فلان معاون کفالت کار فلان وزیر را میکند  
 یک ثلث از حقوق او را می گیرد . و اما  
 کسی که رتبه مادمون خود را کفالت میکند  
 چون یک قدری زحمتش کمتر است دای  
 ندارد نصف بگیرد بعقیده بنده بهتر این  
 است در آن مورد هم ثلث حقوق را بگیرد  
 اما راجع بکسی که شغل متساوی خودش  
 را متکفل می شود باز بعقیده بنده یک ثلث  
 کافی است و برای اینکه پیشنهاد بنده از  
 آن مقداری که کمیسیون معین کرده  
 کمتر است گمان میکنم آقایان مخالفین  
 هم موافقت بفرمایند

مخبر - بنده می خواهم در موضوع  
 این پیشنهاد توضیحی عرض کنم . آقای

باشم شاید آقایان مخالفین هم قانع شوند  
 ولی چون تصور می کنم قابل توجه نشود  
 پیشنهاد خود را بر می گویم  
 رئیس - مسترد میفرمایید  
**سیدید الملک** - بلی استرداد  
 می کنم  
 رئیس - یک اصلاح دیگر از آقای  
 حاج میرزا علی عبدالوهاب رسیده است  
 آنهم قرائت می شود  
 ( بضمون ذیل قرائت شد )  
 بنده پیشنهاد می کنم اگر مافوق  
 متکفل شغل مادون شد مجانی باشد و اگر  
 مادون مافوق را متکفل شد با مساوی مساوی  
 را متکفل شد بملایه از حقوق خودش یک  
 ثلث از حقوق مافوق با مساوی را دریافت  
 کند .

رئیس - آقای حاج میرزا  
 عبدالوهاب  
 ( اجازه )  
**حاج میرزا عبدالوهاب** - این  
 پیشنهاد بنده جواب مسئله احتکار را میدهد  
 مثلا اگر یک وقت حاکم خواست معامون یا  
 سایر مأمورینش را عوض کند دیگر حق  
 گرفتن حقوق او را ندارد ولی یک وقت  
 هست که ضرورت اقتضای کند حکومت  
 کرمانشاهان را به معاونش رجوع کنند  
 آنوقت حقوق خودش را بگیرد بملایه یک  
 ثلث حقوق مافوقش را و همینطور اگر  
 رئیس یک اداره شغل مساوی خودش را  
 تکفل کند تمام حقوق خودش را بایک ثلث  
 از حقوق مساوی خود بگیرد ولی اگر  
 مافوق خواست مادون را برای حقوق او بگیرد  
 و غلبه ازین ببرد حق نداشته باشد  
 رئیس - آقای معتمد السلطنه  
 ( اجازه )  
**معتمد السلطنه** - دو فقره پیشنهاد  
 تقدیم کرده بودم  
 رئیس - راجع باین پیشنهاد بود  
**معتمد السلطنه** - خیر پیشنهاد  
 جداگانه تقدیم کردم  
 رئیس - نرسیده است  
**معتمد السلطنه** - راجع بعقود  
 شخص است که در فقره اول و دوم ماده پنجم  
 نوشته شده و عقیده بنده این است عبارت  
 حقوق شخصی را تبدیل بعقود شغل ثابت  
 یعنی حقوق اداری بکنند بهتر است زیرا  
 حقوق شخصی جزو مستتریات است و جزو  
 حقوق اداری حساب نمی شود  
 رئیس - رای می گیریم پیشنهاد  
 آقای حاج میرزا عبدالوهاب آقایانی که  
 پیشنهاد ایشان را قابل توجه می دانند قیام  
 فرمایند  
 ( عده قلیلی قیام نمودند )  
 رئیس - قابل توجه نشد راجع به  
 اصلاح آقای معتمد السلطنه آقای معتمد  
 السلطنه آقای مخبر چه میفرمایند

مخبر - قبول می کنم باینطور یک  
 نوشته شود نصف از حقوق اداری خود و  
 نصف از حقوق آنکسی را که قائم مقام او شده  
 دریافت خواهد کرد  
 رئیس - ماده پنجم با اصلاح آقای  
 معتمد السلطنه قرائت می شود  
 آقای نظام الدوله بضمون  
 ذیل قرائت نمودند  
 ۱ - هر یک از مأمورین دولتی که شغل  
 رتبه مادون خود را متکفل باشد حق دارد  
 تمام حقوق اداری خود و معادل نصف حقوق  
 رتبه مادون خود را دریافت دارد  
 ب - هر یک از مأمورین دولتی که بعنوان  
 کفالت شغل بالاتری را اشغال نماید حق  
 دارد نصف از حقوق اداری خود و نصف  
 حقوق آنکسی که قائم مقام او است  
 دریافت دارد  
 ج - در صورتیکه کسی کفالت هم رتبه  
 خود را بشاید حق دارد تمام حقوق اداری  
 خود را بملایه ثلث حقوق اداری آن کسی  
 را که قائم مقام او است دریافت دارد  
 رئیس - رای می گیریم ماده پنجم  
 که شامل سه جزو است ....  
**اقبال السلطان** - بنده عرض  
 دارم .

رئیس - بفرمایید  
**اقبال السلطان** - مسؤل اجرای این  
 قانون معین نشد  
 رئیس - چرا در راپورت نمره ۲  
 اگر ملاحظه بفرمایید خواهید دید رای  
 می گیریم ماده پنجم آقایانی که تصویب  
 می کنند قیام فرمایند  
 ( اکثر نمایندگان قیام نمودند )  
 رئیس - تصویب شد . ماده ششم  
 قرائت می شود  
 ( آقای نظام الدوله بضمون )  
 ذیل قرائت نمودند  
 وزارت مالبه مأمور اجرای مواد  
 پنجاهانه فوق است  
 رئیس - آقای سهام السلطان  
 ( اجازه )  
**سهام السلطان** - ماده ششم که  
 سابقا ماده چهارم بود تصویب شده است این  
 ماده - ماده هفتم است ماده چهارم ماده ششم  
 می شود دو ماده پنجم که همین ماده است  
 ماده هفتم خواهد بود  
 رئیس - بلی یک ماده دیگر هم راجع  
 به مستخدمین دولتی گذر مدارس تدریس  
 می کنند بود این ماده ماده هفتم است مجدداً  
 قرائت می شود  
 ( بضمون ذیل قرائت شد )  
 ماده ( ۷ ) وزارت مالبه مأمور اجرای  
 مواد شش گانه فوق است  
 رئیس - آقایانی که این ماده را  
 تصویب می کنند قیام فرمایند

( اکثر نمایندگان قیام نمودند )  
 رئیس - تصویب شد  
 مذاکرات در کلیات است اگر مخالفتی  
 هست اظهار کنند . آقای حاج میرزا  
 علی محمد  
 ( اجازه )  
**حاج میرزا علی محمد دولت آبادی** -  
 بنده در این لایحه مکرر اجازه  
 خواسته ام ولی نوبت بنده نرسیده حالا  
 مجبور شدم عقیده خود را که یکی از رد  
 کردند اظهار کنم .  
 این لایحه شامل تمام مشاغل دولتی  
 است که از جمله آنها ریاست وزراء می-  
 باشد و در چند مورد از آن مواد مثلا  
 قسمت اول ماده پنجم می نویسد که :  
 هر کس شغل مادون خودش را کفالت  
 کند .  
 شامل ریاست وزراء هم می شود  
 یکی از آقایان فرمودند ریاست وزراء  
 شغل نیست  
 بنده تعجب می کنم چطور آقایان  
 می فرمایند شغل نیست  
 در صورتیکه شغل نیست چگونه  
 حقوق دو وزارتخانه را برای یک نفر معین  
 می کنند .  
 بیشتر مشاغل راجع به شخص رئیس-  
 الوزراء است او هم یک شغلی است فرق  
 نمی کند چه رئیس اداره باشد چه رئیس-  
 الوزراء .  
 بنده با این قسمت که رئیس الوزراء  
 شغل مادون خود را کفالت کند مخالفم و  
 اگر بگویند موقتا ریاست وزراء شغل  
 مادون خودش را کفالت می کند  
 عرض می کنم که این مسئله بهیچوجه  
 سابقه ندارد که رئیس الوزراء شغل مادون  
 خود را موقتا کفالت کرده باشد و همیشه  
 هر رئیس الوزرائی می توانسته است یکی  
 از وزارتخانه ها را شخصا اداره کند باین  
 ترتیب دارای سه حقوق می شود و بموجب  
 این قانون دو حقوق از بابت ریاست  
 و وزراء نصف حقوق یک وزیر را هم به  
 عنوان کفالت خواهد برد  
 باینجهت بنده با حقوق رئیس الوزراء  
 در صورتیکه این قانون شامل او هم بشود  
 مخالفم  
 مخبر - تصور می کنم این اعتراض  
 آقای دولت آبادی از نقطه نظر تعبیر و  
 تفسیر است که آیا می شود شغل ریاست  
 وزراء هم شغل فرض کرد و مشمول این  
 قانون قرار داد یا خیر ؟  
 ولی اعتراض باین قانون نیست زیرا  
 اگر ماده دیگر این قانون را ملاحظه  
 بفرمایید مطلب روشن است  
 ماده سوم می گوید ارجاع و جمع دو  
 شغل متمایز با دو حقوق اداری ممنوع  
 است و ماده دیگر پیش بینی می کند که

لای ضروره موقتا می شود کفالت شغل دیگر  
 راه یک نفر را کنار نهد  
 ماده بعد هم حقوق مدت کفالت را معین  
 می کند  
 حالا در موضوع ریاست وزراء همان-  
 طور که فرمودید اگر سابقه تکفل روسا  
 وزراء در یک وزارتخانه نگاه کنید ملاحظه  
 خواهند فرمود که این مسئله موقتی نبوده  
 بلکه دائمی بوده است  
 بنابراین نظریه حضرتعالی اعتراض  
 بر این قانون نیست فقط می خواهید بچین  
 فرمائید که شغل ریاست وزراء شغل متمایزی  
 است و از قبول یک وزارتخانه دیگر بموجب  
 این قانون من بعد ممنوع خواهد بود  
 یا خیر ؟  
 در این مورد بنده نظر شخصی خودم  
 را عرض می کنم ( نظر کمیسیون نیست فقط  
 نظر شخصی خودم است ) سابقا عرض کردم  
 حالا هم عرض می کنم که ولو اینکه بفرمایند  
 مقام ریاست وزراء یک حقوق خاصی دارد  
 معینا ریاست وزراء را یک کار متمایز و  
 یک شغل مخصوص نمی شود فرض کرد .  
 رئیس الوزراء یک وزیر است که بسایر  
 وزراء ریاست دارد می تواند بدون داشتن  
 یک وزارتخانه هیئت وزراء اداره کرده و  
 سیاست عمومی مملکت را اداره کند و اینکه  
 آیا می تواند یک وزارتخانه دیگری را  
 هم اداره نماید یا خیر ؟  
 منوط بنظر آقایان و مجلس است که  
 هر طور صلاح می دانند تعبیر بفرمایند ولی  
 این مسئله ایراد و اعتراض باین قانون و این  
 قانون مراتب خودش معنوی خواهد ماند و  
 بنظر شخصی بنده برای پیشرفت امور  
 باید این اختیار را به رئیس دولت بدهم .  
 از برای اینکه بسا می شود یک رئیس -  
 الوزرائی صلاح می دانند که یک وزارتخانه  
 را خودش اداره کند و حالا معمول شده  
 است وزارت داخله تکفل می کند و لابد  
 یک مصالحی در نظر دارم و ممکن هم هست  
 یک رئیس الوزرائی بموجب مقتضای بخواهد  
 وزارتخانه را قبول کند  
 اما نمی دانم آقایان این نظر بنده  
 را یا بنظر آقای دولت آبادی چطور و چه  
 شکل جمع می کنند  
 رئیس - آقای محمد هاشم میرزا .  
 موافقت  
**محمد هاشم میرزا** - بلی  
 موافقم  
 رئیس - آقای سهام السلطان هم  
 موافقت  
**سهام السلطان** - بلی  
 رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی  
 ( اجازه )  
**حاج میرزا مرتضی** - اگر چه آقایان  
 رای دادند و بنده عقیده دارم که برایش  
 بنده رای آقایان تفسیر خواهد کرد ولی بنده



اینوقت حالت گریه برای حاج شیخ اسدالله پیدا شد

رئیس - برای اطلاع خاطر آقایان عرض می‌کنم که الان يك تلگرافی از اهلحضرت رسیده است برای رفع سوء تفاهم راجع بطول بعمران هم گویا فرمایشات آقای حاج شیخ اسدالله کافی باشد اگر اجازه می‌فرمائید تلگراف اهلحضرت قرائت می‌شود بعد تشریف برید در جلسه خصوصی مذاکراتی بفرمائید و تمایلات اکثریت را معلوم نمائید

حاج شیخ اسدالله - همه تلگرافات را بنده نمی‌خوانم همینقدر تلگرافی را که امروز رسیده است قرائت می‌کنم . نصف شهر کلیایگان غارت شده شهر کلیایگانی که دارای سی هزار جمعیت است چرا ؟

برای اینکه سابقا که در آنجا اداره ژاندارمری تاسیس شد اسلحه که مردم داشتند از آنها گرفته شد امروز تمام الوار مصلح و بیغته و اهالی بیچاره آنجا را که اسلحه ندارند قتل و غارت نمودند .

( مجددا حال گریه عارض شد )  
رئیس - تلگرافاتی سابقا رسیده بود و اقداماتی شده قوا هم اعزام شده است . ( حاج شیخ اسدالله با حال گریه از مجلس خارج شدند )

رئیس - تلگراف اهلحضرت قرائت می‌شود ؛  
( آقای منتصر الملک بضمه و نذیل قرائت نمودند .

به ریاست پارلمان - تلگراف شما رسید با تلگرافات مکرری که کردم و مسامی که مجلس شورایی بممل آورد خیلی انوس می‌خورم که جناب اشرف مشیرالدوله از مدارم و در خدمت امتناع نموده حالا هم احسن وجوه این است خود ایشان متقاعد شوند و در صورتیکه ممکن نباشد تمایل اکثریت مجلس را تلگراف نمائید تا از آن قرار بعمران خاتمه داده شود .  
شاه

رئیس - جلسه آتیه روز پنجشنبه پس فردا چهار ساعت بظهور مانده .

دستور اول - لایحه حق العبور خط بین طهران و دماوند .

ثانیا لایحه راجع باعزام محصلین نظامی بفرانسه برای شرفیابی خدمت والا حضرت اقدس ولیعهد هم بایستی چند نفر بقره معین شود سابقا عده دوازده نفر معین میشد حالا هم اگر مخالفی نباشد ۱۲ نفر معین شود .

( بعضی گفتند شش نفر کفایت میکنند )  
رئیس - شش نفر باشد  
آقای نظام الدوله استقراع نموده و آقایان مفضلہ ذیل معین شدند  
آقایان سلیمان میرزا - حاج میرزا

عبدالوهاب - سالار معظم - رئیس التجار - سیدالملک - غضنفر خان )

مجلس ۳ ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد

رئیس مجلس - مؤتمن الملک  
جلسه صدویک

صورت مشروح مجلس  
یوم پنجشنبه یازدهم شوال  
۱۳۴۰ مطابق هیجدهم برج  
جوزا ۱۰۴۲

مجلس سه ساعت قبل از ظهر بریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید

( صورت مجلس یوم سه شنبه شانزدهم جوزا را آقای امیر ناصر قرائت نمودند )

رئیس - گویا نسبت بصورت جلسه مخالفی نباشد ؟

آقای میرزا محمد نجات - اجازه می‌فرمائید ؟

رئیس - بفرمائید  
آقا میرزا محمد نجات - در

جلسه قبل بنده عرض کردم شکایتی که از شهر رسیده يك ماه قبل از خانه انتخابات بوده است و در اینجا بمدار خاتمه انتخابات نوشته شده است

رئیس - اصلاح میشود  
امیر ناصر - قبل از خانه انتخابات نوشته شده است

رئیس - درست نوشته شده است . پس این ایراد وارد نیست . دیگر ایرادی نیست ؟

( اظهاری نشد )

رئیس - صورت مجلس تصویب شد  
يك فقره لایحه از طرف دولت رسیده بود راجع به اعطای حق اولویت نسبت بامتداد خط آهن اکاویل در يك شعاع بیست فرسخی اطراف طهران به طومانیانس ها و همینطور استفاده از آبشارهای پس قلمه ارسال میشود بکمیسین فواید عامه یکی دو فقره هم تقاضای شهریه خیلی جزئی چهار تومان و پنج تومان و شش تومان است بکمیسین بودجه ارجاع میشود .

دستور امروز اول لایحه ایست که از طرف دولت سابق راجع به تقاضای اعتبار هیجده هزار تومان برای مخارج مسافرت و شصت و هفتاد و يك هزار و شصت فرانک برای خرج تحصیل شصت نفر محصل نظامی اعزامی به فرانسه رسیده بود قرائت میشود .

( بشرح ذیل قرائت شد )

ماده واحده - مجلس شورای ملی تصویب مینماید که در هذمه السنه ایت تسلیل ۱۳۰۱ مبلغ ( ۶۷۱۶۰۰ ) فرانک مخارج تحصیل یکساله شصت نفر محصل نظامی در اروپا و مبلغ هیجده هزار تومان برای مخارج مسافرت عده مزبور بفرانسه بوزارت جنگ اعتبار داده میشود